بسم الله الرحمن الرحیم

باب در قرائت فاتحه

بدانکه قراء سبعه و رحمة الله علیهم چنین
گفته اند که هرکه در خواندن سوره فاتحه
این پنجاه و هفت جایگاه نگاه دارد و هر یکی را
از مخرج خویش گوید او فاتحه درست خوانده
باشد بسم الله اینست الرحمن الرحیم بارای
نگوید الحمد دو الله نگوید اعراب دال الحمد
را ضعیف تر گوید و حرکه و کسره لام الله
بلند تر گوید و بر الحمد وقف سست نیارد

و حرکه

وحرکه رب را کشاده تر کویند و اسم الله
را تغلیظ نکند بترقیق کوید یعنی روشن تر
کوید و بر الله وقف و سکت نیارند و بر
تشدید الله رب را زاید مبالغه نکند رب
العالمین با غنّه نکوید یعنی در وقت حرکه دادن
عین العالمین دهانرا باز بکند و از میان حلق
کوید الرّحمن الرّحیم را در وقت حرکه دادن
میم الرّحمن دهانرا کشادهٔ تر کوید تا غنّه کفته
شود و در وقت تشدید دادن هر دو را الّا
مبالغه کند نه چنانکه دو سه را کفته شود که
بعضی اهل زمان حرفی مشدّدی را چنانکه بخ

مبالغه میکنند که دو سه حرف زیاده میشود

از برای آنکه نمی دانند که محل التشدید چیست

و این از جمله جند است تشدید ادخال حرف

در حرف و تشدید بدل حرفی اولست و اهل

تحقیق کفته اند واحذر الاتکاء علی الشد

و در کتاب زلة القاری آورده اند که بترك

اسم کتاب

تشدید نماز باطل میشود مگر تشدید که بعد

از لام معرفت باشد مثل آنکه کوئی التا

الطاء تا آخر حروف معجم در هر حرفی که لام م

شود و آن چهارده حرفست از برای آنکه

الف و لام در معنی خلل نمیشود مالك یوم الد

کیونکو ین ضعیف تر کوید و حرکه باء یوم د ا
کشاده تر کوید تاکیو نشود بر مالك وقف
وسکت نیارند یوم الدین هر دو کلمه غنه
نیارند و سکون واو را زود تر کوید تا مدی
گفته نشود و همچنین جمله ساکنها را حرکه
دال الذین را کشاده تر کوید الذین د رحا
وقف دوم آرند و در حرکه دادن باء ایاك
غنه نیارند که نصبد تکوین مشتبه نشود بکا
نشبه حرکه کاف ایاك را ضعیف تر کوید و حرکه
نون نعبد را قوی تر کوید و بر کاف ایاك مد
وسکت وقف نیارند و حرکه نعبد را و حرکه

واو را و ایاک را کشاده تر گوید تا هر دو حرف
از مخرج خود گفته شود کنستعین نگوید که
حرکۀ کاف و ایاک را ضعیف گوید و حرکۀ
نون هر ان نستعین را کشاده تر گوید که
کنس شود تاء نستعین را کشاده تر گوید
و در حرکۀ عین غنه نیارند و در اعراب دال
نون نستعین اشمام کنند اهدنا را زمخرج
نرم دارد و دهان باز کند و باغنه نگوید
چنان گوید که ناف حرکۀ کند و در حرکۀ دال
نون اهدنا غنه نیارند دهانرا باز ترک
و در تشدید صاد الصراط اندکی مبالغه
کند

کند وطا را تا نکوید یعنی اطباق و استعلا
نمایند و تاء المستقیم را طا نکوید وحرکۀ او را
کشاده تر کویند و در تشدید الذین انع
مبالغه کنند و همزۀ انعمت را کشاده تر کویند
و در حرکۀ عین عنه نیارند از میان حلق کویند
وهانرا باز تر کنند تعلیهم نکویند حرکۀ تاء
انعمت را ضعیف تر کویند و حرکۀ عین علیهم
را قوی تر و سکون یاء غیره نیکو کویند
و بر حرکۀ میم المغضوب عنه نیارند کشاده
تر کویند و برضا د تشدید نیارند سکون
عین را درست کویند در آن تا تشدید حاصل

لشود و ضاد نیکو گفته شود و هر دو ضاد را

ضاد گویند ذال و ظا و صاد نگویند پیشینه

امامان بر انند که نماز باطل شود بعلیهم

نگویند چنانکه بیان کرده شد و سکون

میم علیهم را درست گویند واو و لا الضالین

زا ببالاتر در تشدید ضاد انکی مبالغه کنند و در

گویند

کشش مد مبالغه کنند نزد محققان این فن

از مد لازم است وصل نیز گفته اند تفادیه

در مد میان سبعه عشره و در فاتحه دو جا

وقف تام است مالک یوم الدین و نستعین

کسی اینها را محافظت نتواند کرد صراط

آنکه

آنست که امامت ترک کند و نماز خود بگذارد
باندیشه بسیار و الله اعلم بالصواب

تم الکتاب بتوفیق ملک الوهاب
العزیز الجبار فی شهر شوال
سنة ١١٢
اقل العباد عبد اله